

خدای عسل

خدایا
به غیر تو آیا کسی
حواسش به در ماندگان است؟
کسی فکر از راه پس ماندگان است؟
تو غم را به شادی بدل می کنی
به زنبورها وحی کردی که در کوه و دشت
پی گرده گل بگردند
تو هستی که با صبر خود گرده تلخ گل را عسل می کنی

زمستان
تو در لانه گنجشکها را بغل می کنی
خدایا

یقین دارم این را
خواست به من است
تو هستی

همان که قلم در کف من نهادی
به من یاد دادی ندانسته های مرا
و من شک ندارم
که در آن جهان
لحظه امتحان
به دست خودم
سوالات سخت مرا نیز حل می کنی....

این شعر با الهام از آیات زیر سروده شده است:

۱. سوره نحل / آیه ۶۴
۲. سوره شرح / آیه ۵
۳. سوره نحل / آیات ۶۸ و ۶۹
۴. سوره علق / آیات ۴ و ۵

